



## بررسی و تحلیل نماد در بافته های خراسان شمالی و ترکمن با رویکرد بینامتنی و تکنیک کارکرد نماد بینامتنی فضای بصری

مهدی مکبریان<sup>۱</sup>، فاطمه قائمی<sup>۲</sup>

۱- کارشناسی ارشد مرمت آثار تاریخی و هیات علمی گروه هنر دانشگاه پیام نور

۲- کارشناسی صنایع دستی دانشگاه پیام نور

نویسنده مسئول: مهدی مکبریان

ایمیل: mehdimokaberian@yahoo.com

### چکیده

نماد نشان دهنده انتزاع است و انتزاع نشان دهنده فشردگی، نشان دهنده سرعت و کوچک سازی مفاهیم است. اقوام و ایلات کوچنده بر روی بافته های خود از نماد استفاده می کرده اند. نماد متن است. متنی بینامتنی بین ایلات و عشایر است. پیش متن کارکرد نماد، به گذشتگان مربوط می گردد و مانند میراثی به افرادی که اکنون در ایلات و عشایر زندگی می کنند، می رسد. نمادها از گذشته تا امروز، بر روی فضای بصری افراد جامعه عشایری، با کارکرد استفاده از آنها بر روی بافته ها اثر بخش بوده اند و فرهنگ بصری به وجود آورده اند. نمادها حداقل سه کارکرد برای باورها، طبیعت و دارایی خانوار و ایل داشته است. نمادها جزئی جدا نشدنی از بافته های اقوام خراسان شمالی و ترکمن شده اند. استمرار، تکرار، تقلید و نوآوری، از الزمه های پیش متنیت و بینامتنیت است، که به وضوح کاربرد نماد بر روی بافته ها مشهود است. نمادها در درجه اول انتقال دهنده مفاهیم برای بافنده و سپس خانواده و ایل است. بیشتر بافنده گان در عشایر دختران و زنان هستند. در این پژوهش نمادها به «نمادهای معیشتی» و «نمادهای باور» و «نمادهای معیشتی» به «نمادهای معیشتی» ثابت و «نمادهای معیشتی» متحرک تقسیم شده اند. فرضیه این مقاله عبارت است از، کارکرد نماد بینامتنی فضای بصری، می تواند به فرهنگ بصری تبدیل گردد. روش پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه ای و تحلیل داده ها و استفاده از تکنیک کارکرد نماد بینامتنی در فضای بصری انجام شده است.

**کلمات کلیدی:** دست بافته، خراسان شمالی، قوم ترکمن، نماد بینامتنی، فضای بصری



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

تعریف واژگان :

## ۱. مقدمه

بینامتنیت از کشف های بزرگ سده بیستم است که نگرشی نوینی در زمینه رابطه عناصر کهکشان متنها ارائه می دهد و به تعامل و جاذبه میان متنها می پردازد. درست است که در طول تاریخ همواره متنهای نوین بر پایه منتهای پیشین شکل می گرفتند و متن های گذشته خود را در ایینه متنهای پسین باز میتاباندند ، اما این موضوع هیچ گاه نظر پژوهشگران را بطور جدی به خود جلب نکرده و حوزه مطالعاتی مستقلی را به خود اختصاص نداده ، نظریه ای طرح نشده و رای ان نیز واژه ای ابداع نگردیده بود .

## تعاریف

تعریف بینامتنی در لغت

شکل گیری معنای متن توسط متون دیگر است . این امر میتواند شامل استقراض و دگردیسی متنی دیگر توس مولفیا ارجاع خواننده ه به متنی دیگر باشد .

## تاریخچه بینامتنیت

بینامتنیت، نخستین بار توسط جولیا کریستووا مطرح شدو سپس توسط، روالن بارت، ژرار ژنت و دیگران بسط و گسترش یافت. به اعتقاد کریستووا هیچ متنی مستقل از سایر متن ها نیست و با ارجاع به متون دیگر شکل می گیرد. در بینامتنیت، با تداوم، تقلید که از پیش متنتیت گرفته می شود، با نوآوری و ابداعات به بیش متنتیت تبدیل می گردد. در این پژوهش متون، نمادها هستند. نماد هایی که بر روی بافته ها بکار برده شده اند. بکارگیری نمادها بر روی بافته ها، منحصر به بافته های ایران نیست و پیش متنتیتی از چین تا ترکیه دارد. رابطه ای در زمان ( طولی) و هم زمان ( افقی) دارد. عبارتی بازه ای تاریخی، از قرون گذشته تا زمان حاضر را شامل می شود. فضای بصری نیز متن است. فضای بصری اجزائی دارد. فضای بصری بافته های خراسان شمالی و ترکمن همانند پیش متن های خود، دارای اجزاء نماد است. نمادها کارکردهایی دارند که یکی از آنها، نماد به منظور ایجاد ساختار است. ساختار در بافته هایی از جمله گلیم، خورجین، جاجیم، کیف، نمد، لباس، روسری، جوراب، چاروق، چنته، چوخه، زیلو، سفره، گبه، چادر شب، ورنی و از این قبیل بافته ها استفاده می شود.

نماد های رایج در دستباف های اقوام خراسان شمالی و ترکمن، نقوش هندسی است. از خطوط عمودی، افقی و اریب استفاده می شود. رنگبندی بافته های عشایر از رنگ های قرمز، سفید، مشکی، آبی تشکیل شده است. فضای بصری بافته های عشایر از رنگبندی های غلیظ و نمادهای ریز در اطراف و نماد بزرگی در وسط تشکیل شده است. هر طایفه نماد اصلی خود را به کرات بر روی بافته ها به کار می برد. به نماد در اصطلاح گل می گویند. مار گل، آینه گل، قابسه گل و درناق گل، چند نمونه از نماد ها، با گویش محلی می باشد. طرح آینه گل، قابسه گل، درناق گل و نماد عقاب متعلق به طایفه جعفر بای، نماد عقرب و نماد حصار متعلق به طایفه تکه، است. از دیگر نمادها سکر گل، سکر گیشیک، چو دور، جوز، قارچین گل، ساری گیره، ساندیق، شخک، شهی نوز، غاز ایاق، قچک، گلین پارماق، گومبذ، مورغن، محراب، نعلدان داغ می باشد.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

پیش متنیت و بینامتنیت کاربرد نماد در اقوام ترکمن در زیورآلت بر روی بافته های پوشیدنی با نام های تنه چپیر، چاپراز، سکه، بازبند، خازاوا، اگمه، قبه، قوالق چا، ینگه لیک، اوچ قاشلی قوالق چا، آیین شای، آسیق، اوچ آسیق، مونجوق، قورباقا، دورت حوزالی، اوچ قورباقالی، قوالق حالقا، گل یقه، بیقاو، بیله زیک، یوزوک، قوشاق، سارماق، ایقماچ و یونگسه می باشد. کاربرد این نماد ها، بر روی کت، کاله، قبا، کمربند، سربند، یقه و یا بر روی گوش، گردن آویز، مچ دست کاربرد دارد. کاربرد نمادها در فضای بصری از پوشش افراد بصورت بافته و زیورآلت تا دستبافته های دیگر، تابعی از شرایط اقلیمی، زن یا دختر بودن بافنده، شرایط اقتصادی، فصل کوچ، تعداد دام و طیور، تکرار نمادهای مشترک، نشان طایفه، ذوق و سلیقه بافنده، وسایل و مواد اولیه، حمل و نقل می باشد.

## ۲. مبانی نظری

معنای اصلی بینامتنیت در هم آمیختن یا در هم تنیدن است، و در این حوزه و به طور ساده ناظر به شکل یافتن هر مفهوم از مولفه های متنی متعدد است (غیاثوند، ۱۳۹۲: ۹۸). کاربرد نماد در اقوام و طوایف ترکمن از طوایف اویغور در سین کیانگ، چین تا ترکیه امروزی پیش متنیت و بینامتنیت دارد، و نیز در خراسان شمالی که از اقوام کرمانج، بلوچ، ترکمن، تات، و فارس های مهاجر تشکیل یافته است، کاربرد نمادها را بر روی بافته های یکدیگر می توان یافت. پیش متن بافته های چین و ایران در گلیم تکه اینگسی از اقوام تکه از ایل ترکمن است.

نماد در این بافته که بصورت قالیچه می باشد، باغ است. در نگارگری دوره تیموری، کمال الدین بهزاد، نماد باغ های سمرقند را ترسیم نموده است. پیش متن و بینامتن در نماد باغ و نماد های انتزاعی بافته های ترکمن و خراسان شمالی مشترک بوده، دیوار است که در باغ های نگارگری دوره تیموری، دیوار باغ است و در گلیم و قالیچه بصورت حاشیه در اطراف دور تا دور گلیم، قالیچه یا قالی مشاهده می گردد.

در قالی نماد های اسلیمی از گل و گیاه است و در گلیم ترکمن و خراسان شمالی، نمادهای انتزاعی از معیشت، ابزار، انسان، طبیعت و باورها می باشد. فضای بصری بافته های ترکمن و خراسان شمالی معیشت محور است. اقتصاد در مبادالت بافته ها، سرعت انجام کار، تهیه مواد اولیه مناسب، و در نتیجه نمادها تاثیر دارد. بافنده با تکرار و تمرین، انتزاع شده انسان، حیوان و گیاه، باور را در ذهن دارد و بدون نقشه، آنها را بر روی بافته پیاده نموده در حالی که قرینگی، آن چنان اهمیتی ندارد. با این حال بزرگی و کوچکی را در حاشیه و گل وسط تا حدود زیادی اجرا می کند. آنچه که محصول این کار است، منحصر به همان بافنده در همان زمان و مکان است و دیگر تکرار نمی شود. آنچه که تکرار می گردد، نمادها و مفاهیم در زمان کاربرد و متناسب با شرایط اقتصادی، اقلیمی و باورهای ایل است.

## ۳. نماد های عددی

در برخی ادوار تاریخی این باور وجود داشته که اعداد نسبتی بین جهان انسانی و عالم هستی برقرار می کنند (رامین وهمکاران، ۱۳۹۸، ۲۷۷) همچنین برخی اعداد جایگاهی رفیع تر از دیگر اعداد در بعد معانی نمادین دارند که در قالب اساطیر، آموزه های دینی و فرهنگی تجلی می یافته است (زمردی، ۱۳۷۹، ۲۷۳). این باور نیز وجود دارد که، شکل گیری نقوش در [هنرهای مختلف] که بر پایه اعداد شکل گرفته اند، از اعتقاد و باور هنرمند طراح یا بافنده نشأت گرفته است. این نمادها مرتبط با محیط زندگی، محل زیست و عوامل و عناصر فرهنگی و آرزوهای آیینی جامعه آنان است (کیانمهر و خزایی، ۱۳۸۵، ۲۷).



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

عدد یک: نشانه قدرت، خالقیت، حمایت، نیکی و خیر خواهی .  
 عدد دو: نشانه قوه خالقیت، حساس بودن، پدر یا مادر شدن، تولد .  
 عدد سه: نشانه آرمان گرایی، تعلیم و تربیت در سطح عالی، سفر به کشورهای دور دست، مذهب.  
 عدد چهار: نشانه فردیت، نیروی ابتکار، قوه اختراع، تحمل، شکیبایی و چشم پوشی.  
 عدد پنج: نشانه ارتباطات، تحرک، قابلیت تغییر پذیری .  
 عدد شش: نشانه جوهر زنانگی، ترحم، پول .  
 عدد هفت: نشانه روحانیت، حساسیت، همدردی، رمز و راز .  
 عدد هشت: نشانه عقل، فضیلت، آموختن به یاری تجربیات بدست آمده، ثبات قدم، صبر، مسئولیت .  
 عدد نه: نشانه کردار خصمانه، خشونت، نفوذ و شجاعت، تضاد، درگیری، تهاجم است .  
 نماد های هشت گانه ی بودایی همانند چرخ، سایبان، چتر آفتابی، گل الله، صدف حلزونی، گلدانی با آب زندگی، دو ماهی و گره جاودانی می باشد. هشت نماد تائویی ها که عبارتند از شمشیر، کدو و عصا، گل الله، فلوت، نی ساخته شده از بامبو، عصای جادو، بادبزن دستی، قاشقک و سبد گل، نیز در طرح ها و نقوش فرش این مناطق استفاده می شود.

#### ۴. مراحل تکامل نمادهای ایلات و عشایر

پیش متنیت نمادهای ایلات و عشایر و سیر تکامل آنها در پژوهش های انجام شده را به سه مرحله می توان تقسیم بندی نمود .

**مرحله اول:** تجزیه و تحلیل ساختار بافت های گوناگون و محدودیت های آن در نقش پردازی و اشکال هندسی،  
**مرحله دوم:** بررسی تاریخ عشایر، مهاجرت ها، شیوه زندگی، مذهب، اعتقادات و خرافات،  
**مرحله سوم:** بررسی، ظهور و گسترش این گونه نمادها در سنت های خانوادگی، فرهنگ بومی روستاییان یکجانشین.

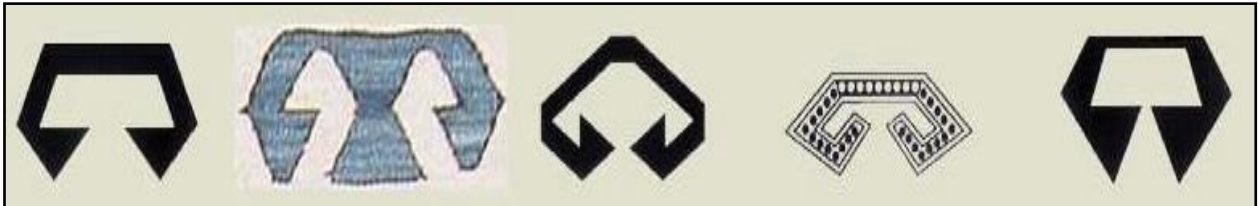
#### ۵. قوم ترکمن و نمادهای آنها

پیش متنیت قوم ترکمن در موضوع مذهب در زمان های گذشته، مذهب شمن بوده است و به خدای آسمان اعتقاد داشته اند. نمادهایی بعنوان خورشید، هنوز در بافته های آنها، وجود دارد. از جمله نماد بین و یانگ هنوز در بافته های آنها استفاده می شود. از نمادهای دیگر می توان به نمادهای زندگی، نمادهای تولد، نمادهای محافظت از زندگی، نماد های مربوط به چشم نظر، نمادهای زندگی پس از مرگ، نمادهایی برای طبیعت، جانوران، انسان را می توان نام برد.  
 پیش متنیت نماد بر روی بافته ها و انتزاع آنها در اقوام شرق بیشتر کاربردی و عینی بر روی محصول و یا خود همان کال است. و نمادها در غرب بیشتر سمبولیک و ذهنی است. پیش متنیت و بینامتنیت کاربرد نمادها، برای تولد، رب النوع مادر، صورت تک نگاره، کاربرد در حاشیه و زمینه، شاخ قوچ (شکل ۱)، نماد نرینه، قدرت، باروری، نماد انسان، گرمی داشت افراد، از نمادهای مربوط به زندگی، شانه، گل سر، گوشواره، نماد تمایل به ازدواج، نماد پابند حیوان، نماد پیوند خانوادگی، نماد صندوق، نماد جهاز عروس، نماد وسایل شخصی دختران، که در ایل شاهسون و قفقاز درست کردن بافته هایی برای روی صندوق پیش متنیت و بینامتنیت دارد.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

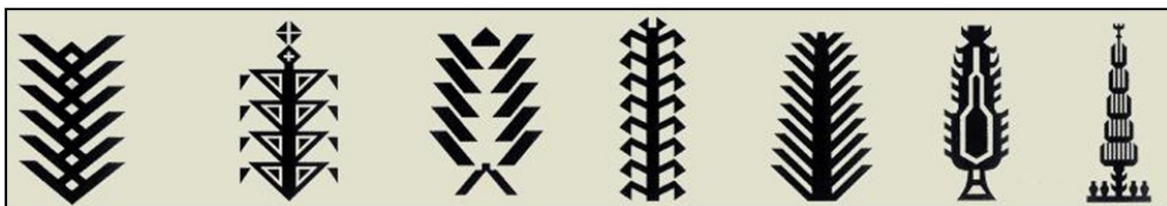
ماد یبین و یانگ (شکل ۲)، نماد آرزوی هماهنگی، رابطه ی میان زن و مرد، این نماد بر روی پرچم کره جنوبی می باشد. نماد ستاره، نماد شادمانی است. نماد گل از انواع نیلوفر آبی، شقایق، از نمادهای اشیاء کاربردی در اطراف چادر مانند چمچه، کجبه، دغا، سکیز کله، سکیز قاپی، چرخ پلک، آینا، ات ایاقی، فیل پای گل، چپات اشتر می توان بر شمرد (بوگولیوف، ۱۳۵۶ : ۳۹) پیش متن نمادهای استفاده شده در اقوام ترکمن از منطقه اویغور، سین کیانگ در چین تا ترکیه را با مفاهیم آنها در ذیل مشاهده می گردد.



شکل ۱. شاخ قوچ، نماد انگیزش آغازین (قوم ترکمن)



شکل ۲. یبین و یانگ، نماد وحدت، نماد باروری (قوم ترکمن)



شکل ۳. درخت سرو یا خوشه، نماد خوشبختی و باغ بهشت (قوم ترکمن)

## ۶. نمادها در بافته های خراسان شمالی

پیش متنیّت و بینامتنیّت نماد درمنسوجات خراسان شمالی به نمادها و نقوش مناطق کردنشین، ایالم و تات ها از غرب دریای مازندران و منطقه اقوام ترکمن در شرق دریای مازندران، مربوط می گردد. در خراسان شمالی چندین قوم از قبیل،



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

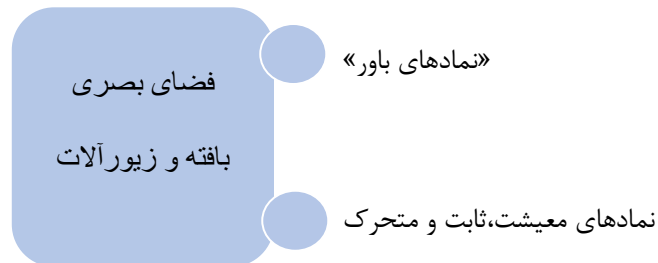
اقوام فارس، تات، ترک، کرمانج، ترکمن و فارس های مهاجر ساکن هستند. نقش مایه ها و نمادها و فنون بافندگی از قومی به قوم دیگر بینامتنیت دارد. بافندگی شامل، پالس بافی، جاجیم، کیف دستی، خورجین، روکسی، زیلو، سفره، قالی و قالیچه، کاله، گبه، گلیم، چادر شب، نمد و ورنی است. نمادها و نقوش هندسی، به نام های بالون، مانند حرف اس، بوک، به معنی عروس، خارخارک، به شکل صلیب، نمادهای ابزاری مانند شَنَه به معنی شانه، و نقش های تکرار شونده بنام چاکل، معنی جای گل، مانند چاکل نکل، منات چاکل، چاکل شَقَه است.

## ۷. تجزیه و تحلیل:

### ۸. دسته بندی نمادها در جامعه هدف پژوهش

نمادها در دستباف های این منطقه به چهار دسته انسانی، حیوانی، گیاهی و سمبولیک تقسیم می گردد. نگارندگان این چهار گروه را به دو دسته «نمادهای باور» و نمادهای معیشت، تقسیم بندی نموده اند.

### ۹. مدل مفهومی روش پژوهش



### ۱۰. تکنیک کارکرد نماد بینامتنی در فضای بصری

«نمادهای معیشتی» که در شکل ۴ ارایه گردیده است، از نظر کاربرد به چندین هزار سال پیش باز می گردد. این نقوش بر روی صخره ها، درون غارها توسط انسان استفاده می شده است. به نظر می رسد این سمبل ها نه تنها جنبه نمادی داشته اند، بلکه شروعی برای ایجاد زبان مشترک، تاریخ و تبادل پیام نیز بوده است.

### جدول ۱- نماد های معیشت در فضای بصری



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

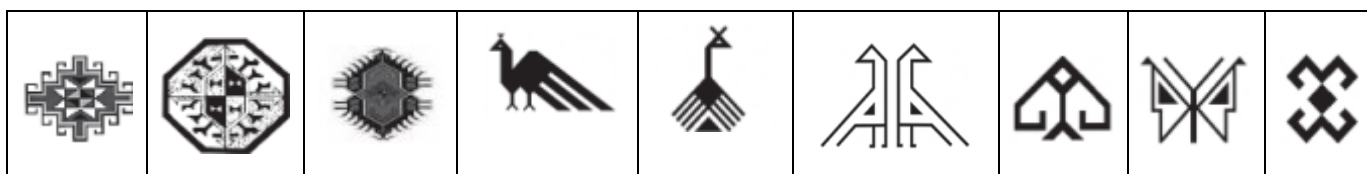
زن	دختر	شتر	مرغ	بره	بز

قدمت استفاده از «نمادهای معیشتی» به هزاران سال می‌رسد. از بعد زمانی (طولی) به چهل هزار سال و از لحاظ هم زمانی (افقی) در مناطق گسترده ای که دامداری، اولین برآورده کننده معیشت بوده است، بر روی صخره ها، فضای بصری به وجود آورده اند. «نمادهای معیشتی» در ادوار بعد بر روی سفال ها نیز استفاده شد. این نشان ها سپس بر روی بافته ها نقش بست. کاربرد «نمادهای معیشتی» مانند بز، گوسفند، پرنده، شتر، دختر، زن در ارتباط مسقیم با بقاء افراد ایل و اقتصاد خانواده بوده است. کاربرد نماد معیشتی از گذشته تا امروز شامل مسیر کوچ دامدار، تعداد دام، تنوع دام، نیروی انسانی، دشمنان دام، استفاده از پشم دام، استفاده از شیر و گوشت دام، تهیه جهاز برای عروس و تشکیل خانواده، خرید و فروش محصولات دامی، و از این قبیل موارد است.

پیش متنیت و بینامتنیت در صورت و معنی در «نمادهای معیشتی» از گذشته نه تنها تغییر نکرده است بلکه به بیش متنیت تبدیل شده است. در شکل ۱، اولین نماد باور، شاخ قوچ است. در قریب باتفاق سنگ نگاره های تیمره که چهل هزار سال قدمت دارند، بز و قوچ. «نمادهای معیشتی» در فضای بصری پیرامون چادر ایل و خانوار، جایگزین حقیقت هستند، با این نمادها بافنده به خانواده می فهماند که دارایی خانوار و ایل چه مقدار می باشد. از سویی هنگامی که بافنده نماد را، چه جانور و یا ابزار می بیند و بر روی دست بافته می بافد، فضایی بصری به وجود آورده است به بیانی، از شکل مادی و اصل (objective) به فضای ذهنی انتزاعی (subjective) تبدیل می شود. با تکرار و تمرین، فضای بصری بافته های ایلات و عشایر به فرهنگ بصری تبدیل می گردد.

قدمت «نمادهای معیشتی» در فضای بصری، به کتاب درخت آسوریک می رسد که، گفتگویی بین درخت نخل و بز بوده و هر دو نماد معیشتی هستند. یکی نماد گیاه و دیگری نماد حیوان است. یک نماد، نماد جامعه معیشتی کشاورزی است و دیگری، نماد معیشتی دامداری است. نماد نخل مربوط به غرب ایران است و نماد بز مربوط به شرق ایران است.

## جدول ۲- «نماد های باور» در فضای بصری



«نماد های معیشتی»، می توانند نماینده منطقه جغرافیایی نیز باشند چرا که، درخت نخل بیشتر متعلق به مناطق جنوب، غرب و جنوب غربی ایران است و بز در مناطق شرق و شمال شرقی و جنوب شرقی ایران بیشتر است. فضای بصری که در سفالینه های شهر سوخته ایجاد شده است، حاکی از استفاده از نمادهای کتاب درخت آسوریک، یعنی نماد درخت نخل و نماد بز در ایجاد فضای بصری با تکرار چندین نماد بز که در حال حرکت به سمت نماد درخت نخل است را نشان



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

می دهد. پیش متن و بینامتن عمده «نمادهای باور»، به قدمت «نمادهای معیشتی» نمی رسد. «نمادهای باور»، نمادی از طبیعت، مانند خورشید، ماه، ستاره، درخت و گل، است و هر کدام در بین اقوام ترکمن، که پیرو آیین شمن بوده اند و به خدای آسمان اعتقاد داشتند، بر روی بافته ها به کار برده شده اند.

نماد نیلوفر آبی، گل شقایق و ابر، نمادهایی هستند که از شرق دور وارد دست بافته های ترکمن و خراسان شمالی شده اند. از قرن نهم هجری، پانزدهم میالدی، بر روی گلیم و از قرن دهم هجری، شانزدهم میالدی، بر روی قالی استفاده شده اند. پیش متن و بینامتن فضای بصری در «نمادهای معیشتی» زودتر تبدیل به فرهنگ بصری شده است و گستره وسیع تری را از تمامی قاره ها در بر می گیرد. در صورتی که «نمادهای باور» در هر طایفه ای متفاوت است و معانی مختلفی دارد. این نمادها، دیرتر از فضای بصری تبدیل به فرهنگ بصری می شود و یا حتی ممکن است به فرهنگ بصری تبدیل نشود. در بین اقوام خراسان شمالی، بدلیل آشنایی این اقوام با فرهنگ های بومی یکدیگر و لذا شناخت و بهره مندی هنرمندان این خطه از نمادهای یکدیگر، فضای بصری بافته، تبدیل به فرهنگ بصری شده است.

## ۱۱. نتیجه گیری

نماد بعنوان بیان کننده اسطوره، نمایش، تجلی اندیشه، تصور، حالت عاطفی، رابطه ای واضح، آشکار، قراردادی، عینی کردن اندیشه، جایگزین نمودن چیزی جای ذهن، اشاره به معنای، کاربرد دارد. زمانی که نماد در اثری مانند بافته و یا زیورآلت به عینیت تبدیل می شود، اثری هنری به وجود آمده است. کاربرد نماد از سنگ نگاره ها شروع شده است و سنگ نگاره ها در تمامی قاره ها وجود دارند. تداوم کاربرد نماد بر روی دیگر وسایل با سفال ادامه پیدا کرد و به الیاف و فلز رسید، در جوامعی که معیشت آنها با جانورانی مانند بز و گوسفند و شتر بوده است و در ضمن آیین و اعتقادات آنها منشعب از طبیعت، درخت، گیاه و گل بوده و نیز نیروی کار آنها دختران و زنان بوده اند، پیش متنیت و بینامتنیت نماد شکل گرفته است.

اقوام ترکمن از اوغور، سین کیانگ چین تا آسیای میانه در شرق و حوزه قفقاز و ترکیه در غرب، فضای بصری ذهنی خود را با نمادگرایی و انتزاع اجسام، اموال و باورهای خود را طی سالیان درازی بر روی بافته ها و زیورآلت خود عینیت بخشیده اند. این عینیت نه تنها هنر است بلکه کاربردهای دیگری اکنون برای این اقوام دارد از آن جمله معیشت خانواده، تهیه جهاز دختر، تداوم نمادها از لحاظ فرهنگ عامه، هویت قومی می باشد. نمادها بعنوان نماد هویت ملی بر روی پرچم کشورها استفاده می شود. فرضیه در پژوهش این بود که کاربرد نماد در فضای بصری می تواند تبدیل به فرهنگ بصری گردد. پیش متن و بینامتنیت در سنگ نگاره ها از چهل هزار سال پیش بصورت در زمانی (طولی) و هم زمانی (افقی) فضای بصری را تبدیل به فرهنگ بصری در بین اقوام دامدار و کوچنده نموده است.

فرهنگ بصری جزئی از فرهنگ عامه است و زمانی افراد جامعه ماقبل تاریخ، سنگ نگاره ها را بر روی سنگ، رسم میکردند، در حالی که در زمان حال نیز برای ما قابل درک است. در سفالینه های شهر سوخته «نماد های معیشتی» درخت نخل و بز که بصورت متحرک است و هر کدام نیز نماد های از دو منطقه جغرافیایی متفاوت است را نشان می دهد. هر نقش مایه ای که در این دست بافته ها با همراهی دیگر نقوش در جهت تکمیل و تمامیت بخشیدن به یک دست بافته هستند دارای نظم و هماهنگی مخصوص به خود دیگر نقوش و کل مجموعه هستند. آنچه جالب توجه هست اینکه میتوان





# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

با گزینش ساده نقوش و کمی ایده پردازی هر کدام از نقوش را از دل دست بافته ها خارج کردو با ساده کردن برخی از نقوش به یک اثر کاملا زیبا رسید. « نماد » جز جدا نشدنی بافته های اقوام خراسان شمالی و ترکمن است.

## • تشکر و قدردانی

از سرکار خانم مریم اشرف برجی که ویرایش مقاله را تقبل نمودند صمیمانه تشکر مینماییم.

## ۱۲. منابع:

۱. آلن، گراهام. (۱۳۸۰) بینامتنیت، ترجمه پیام یزدانجو، انتشارات مرکز، تهران.
۲. بدایع، ذبیح اهلل. (۱۳۷۱) نیاز جان و فرش ترکمن، انتشارات فرهنگان، تهران.
۳. بوگولیووف، \_ . (۱۳۵۶) فرش های ترکمنی، ترجمه نازدیبا خزیمه، موزه فرش ایران، تهران.
۴. حصوری، علی. (۱۳۷۱) نقش های قالی ترکمن و اقوام همسایه، انتشارات فرهنگان، تهران.
۵. رامین، علی و همکاران. (۱۳۸۹) دانشنامه دانش گستر. انتشارات موسسه دانش گستر روز. تهران.
۶. زمردی، حمیرا. (۱۳۷۹) تمهیدات عددی اسطوره، سمبل و نماد. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران،
۷. دانشگاه تهران. شماره ۴۴.
۸. شوالیه، ژان و گریبان، آلن. (۱۳۸۷) فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، انتشارات جیحون، تهران.
۹. غیاثوند، مهدی. (۱۳۹۲) سیمای تاویل در آیین بینامتنیت کریستوواپی، نشریه حکمت و فلسفه، تهران.
۱۰. فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن علمی فرش ایران، گلجام. شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۱، تهران.
۱۱. کیانمهر، قباد و خزایی محمد. (۱۳۸۵) مفاهیم و بیان عددی در هنر گره چینی صفوی. نشریه کتاب هنر. شماره ۹۱ و ۹۲، تهران.
۱۲. نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰) درآمدی بر بینامتنیت نظریه ها و کاربردها، انتشارات سخن، تهران.
۱۳. وردیف، مراد و قادیرف، شهرات. (۱۳۷۹) ترکمن های جهان، ترجمه امانگلدی ضمیر، انتشارات درخت بلورین، تهران.
۱۴. هال، جیمز. (۱۳۸۰) فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران.
۱۵. دو بوکور، مونیک (۱۳۷۳) رمزهای زنا- جان ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر مرکز.
۱۶. دیران لو، حسن (۱۳۸۹) شناخت و بررسی نماد و نمادمالی، ۲۸ تیر ۱۳۸۹، بجنورد.
۱۷. رستمی، مهدی (۱۳۸۹) شناخت نگرش به کارگیری نقوش سنتی منطقه خراسان شمالی، « مصاحبه ۲۸ تیر ماه ۱۳۸۹، بجنورد. رید، سر هربرت (۱۳۷۵) معنی هنر، ترجمه نجف دریابندری، تهران: نشر علمی فرهنگی.
۱۸. شوالیه، ژان (۱۳۸۲) فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، جلد ۳، تهران/.
۱۹. کندی، ادی (۱۳۸۱) آیین شهریاری در شرق، ترجمه فریدون بدره، تهران: نشر علمی فرهنگی.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

۲۰. متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۷) خراسان شمالی پژوهشی پیرامون تاریخ تحولات سیاسی شهرهای خراسان شمالی از آغاز تا انقلاب اسلامی، مشهد: نشر آهنگ قلم.
۲۱. نیکویی، مجید (۱۳۸۲) «هویت بخشی به نگاره ها، فصلنامه فرش دستباف ایران، شماره ۲۱ و ۲۲ تهران: بهار و تابستان.
۲۲. هال، جیمز (۱۳۸۰) فرهنگ نگارهای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
۲۳. هاوس گو، جنی (؟) دست بافتهای عشایری، زرین دخت صابر شیخ، تهران: نشر سازمان صنایع دستی ایران، جلد اول. کتاب نفیس و مرجع گلیم .
۲۴. هال آلستر و ویووسکا جوزه لوچیک، گلیم (۱۳۷) ترجمه شیرین همایونفر، نشر کارنگ